





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کزد و حرف آفرید رض و سما	ابتدایکنم بنام خدا
که بجان دلش همی خوانم	مام حق بر زبان همی رانم
خالق درازق و دروف رحیم	ملک و صانع و قدیم و حکیم
بر همه خلق مسجودین شده	طاعت اوست فرض عین شده
همه زویافت صورتی	هر چه هست از بندگی پستی
کرد ما را خطاب تا بنسیم	داد ما را کتاب تا خوانسیم
طاعت او بجان کنسیم همه	هر چه او گفت آن کنسیم همه

هر چه او گفت بیا گردن  
روز و شب طالب بولیم  
شکر حق را که پیشوا داریم  
مهر و بهتر و کزین همه  
او شریعت بیان کند ما را  
صلوات خدای بر وی باد  
است او دوستداریم  
چون ابو بکر و عمر و عثمان  
رحمت حق تبار یارانش

نیست سودی بجز زیان کن  
پیر و است رسول و سیم  
پیشوای چو مصطفی داریم  
سرور و خاتم و کین همه  
او طریقت عیان کند ما را  
تبار و حسن و ایامی باد  
دوستدار چهار یاریم  
مرتضی دان علیهم الرضوان  
باد بر جمله دوستدارش

### در بیان طهارت

ای مصلیاً بیا طهارت کن  
چون بیاری طهارت ظاهراً  
آن طهارت که تقسیم جسم آمد

خانه دین خود عمارت کن  
باطنت نیز حق کند طاهر  
طهارت را همه تقسیم آمد

تن بغسل و وضو چو پاک کنی  
 شرح این هر سه نوع را گویم  
 در طهارت و نضیه و سنت  
 آیه است نماز باید کرد  
 بس میان نماز و روزه کنیم  
 روز محشر که جان گلزار بود  
 بس کن در نمازها تقصیر  
 خود ششم چو بس نکو گفته است  
 غم دین خور که غم دین است  
 غم دنیا خور که بیوده است  
 پیش ازین گفته اند اهل سلف  
 من بقدر مجال کوشیدم  
 من معجز بقصورت فرختم

آب اگر نیت قصد خاک کنی  
 ز آنکه چو کان شمع را گویم  
 بر تو خواهم روان بی منت  
 دل مقام نیاز باید کرد  
 توشه ششم چو روزه کنیم  
 اول پیش از نماز بود  
 تا در آن روز باشد توفیر  
 در معنی نگر که او سفته است  
 همه صحافرو تر از این است  
 هیچکس در جهان نیایوده  
 عذر من صنف قدر است  
 فقیرا بر د نظم پوشیدم  
 نه چو نادان اسحق هر قسم